

جلسه ۲۰۸ (چ) ۹۰/۱/۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

با توفیق پروردگار بحث ما درباره هلال ماه به پایان رسید و عرض کردیم که تشکل ماه به شکل هلال در اول هر ماه قمری یک امر واقعی تکوینی سماوی می باشد که در هر ماه یکبار بیشتر اتفاق نمی افتد و اگر اتفاق بیافتد برای تمام کسانی که در شب با هم مشترکند اول ماه ثابت می باشد و همچنین گفتیم که وحدت و اختلاف افق در مسئله رؤیت هلال مؤثر و معتبر نمی باشد. و اما عمده دلیل ما در این رابطه روایات کثیره ای (روایات ششگانه صحیحه) می باشد که دلالت دارند بر اینکه اگر ماه در شهری رؤیت شود برای اهالی شهرهای دیگر نیز اول ماه ثابت می شود لذا اگر روزه را خورده اند باید قضا کنند و دیگر در هیچ یک از این روایات اشاره ای به مسئله وحدت افق نشده است در حالی که اگر وحدت افق اعتبار داشت ائمه (ع) اقلأً در یکی از این روایات باید به آن اشاره می کردند.

خوب و اما یک مطلبی را در آخر بحثمان عرض کردیم که بسیار مهم بود که تا به حالا ندیده ایم که کسی جوابش را داده باشد و در واقع یک نقضی به قائلین اعتبار وحدت افق می باشد، مطلب این بود که ما دیده ایم که هر وقتی ماه در یک مملکت دیده شود در کل آن مملکت اعلام می شود که اول ماه ثابت شده است ولی برای مملکتهای دیگر اول ماه ثابت نیست و حال آنکه یک مملکت دارای شهرهای متفاوتی است که از نظر افق خیلی با هم فرق دارند یعنی از نظر طول و عرض جغرافیایی بلاد گاهاً شهری نسبت به شهر دیگر از یک مملکت ۱۰ درجه از لحاظ طول و عرض جغرافیایی با هم تفاوت دارند، مثلاً اگر در اهواز ماه دیده شود برای مشهد هم اول ماه ثابت است چون هر دو در یک مملکت می باشند در حالی که این دو شهر ۱۰ درجه باهم تفاوت دارند ولی اگر در بحرین ماه دیده شود برای اهواز که تنها یک درجه با هم تفاوت دارند اول ماه ثابت نیست زیرا دو مملکت مختلف می باشند، ما در جواب عرض کردیم که ماه که مملکت

نمی شناسد بلکه بر اساس طول و عرض جغرافیایی بلاد حرکت می کند و ما تا به حالا ندیده ایم که کسی جوابی از این اشکال ما بدهد. خوب و اما بعضی از محشین عروۀ در ضمن بحث ما حاشیه دارند و فرموده اند که برای فهمیدن وحدت افق و اختلاف آن تنها طول جغرافیایی بلاد ملاک است یعنی اگر وحدت افق را در مسئله رؤیت هلال مؤثر بدانیم تنها وحدت افق طولی مؤثر می باشد نه وحدت افق عرضی.

(مسئله ۵): لا يجوز الاعتماد على البريد البرقي المسمی بالتلگراف فی الإخبار عن الرؤية إلّا إذا حصل منه العلم بأن كان البلدان متقاربين و تحقّق حکم الحاكم أو شهادة العدلين برؤيته هناك.

در ثبوت هلال نمی توان بر تلگراف اعتماد کرد مگر آن که از تلگراف به رؤیت هلال یا به حکم حاکم یا به شهادت عدلین آنجا علم حاصل شود، البته در صورتی که دو بلد نزدیک یکدیگر باشند. علت این حکم این است که اصل و ملاک و میزان خود رؤیت هلال می باشد یعنی تنها راه علم به ثبوت هلال ماه تنها خود رؤیت هلال ماه می باشد لذا به مطلق تلگراف نمی توان اعتماد کرد زیرا امکان دارد که آن تلگراف جعلی و دروغی باشد، پس ما نمی توانیم به تلگراف اعتماد کنیم مگر؛ إلّا إذا حصل منه العلم بأن كان البلدان متقاربين و تحقّق حکم الحاكم أو شهادة العدلين برؤيته هناك، البته ایشان وحدت افق را معتبر می دانند به خلاف ما که قائل به تأثیر و اعتبار وحدت افق نیستیم، بنابراین ما برای ثبوت رؤیت هلال ماه نمی توانیم به مطلق تلگراف و یا تلفن و امثالهما اعتماد کنیم. بقیه بماند برای بعد ...

والحمد لله رب العالمين اولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

